روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۹ ■ ۴ ذیقعده ۱۴۳۱ ■ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۰

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۸۴ ■ شماره ۱۶۰ دوره جدید ■ ۲۰ صفحه ■ ۶۰۰ تومان

گزارش «شرق» از آمادگی ایران و غرب برای مذاکره

چه کسی اول تلفن می‌زند

ایران عنوان کرده همواره برای مذاکره با غرب آماده بوده است و کراولی نیز دو روز پیش گفت اگر ایران می‌خواهد با ۱+۵ مذاکره کند کافی است گوشی تلفن را بردارد و زمان و مکان آن را مشخص کند. اما به نظر می‌رسد نه ایران و نه اعضای کشورهای غربی تمایلی ندارند که اول گوشی تلفن را بردارند و شماره طرف مقابل را بگیرند و همواره از طریق رسانه‌ها آمادگی خود را برای مذاکرات اعلام می‌کنند. روز گذشته ابوالفضل ظهره‌وند معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی در مورد ... صفحه ۳

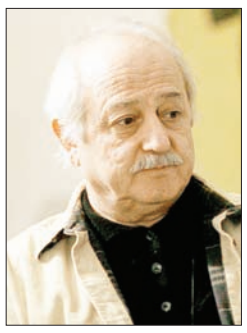

آبان ماه هنرمندان ایرانی در حراج کریستی می‌درخشند

رکورد تازه تابلوی محمد احصایی

«محمد احصایی» پیش از شروع حراج کریستی دوبی رکورد زد. گران‌ترین اثر هنری این دوره از حراج بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار قیمت‌گذاری شده است و به تابلوی نقاشی خط این هنرمند تعلق گرفت. تا امروز همه رکوردهای فروش حراج کریستی به هنرمندان ایرانی اختصاص دارد. سال ۲۰۰۸ پرویز تناولی با دو میلیون و ۸۰۰ هزار دلار اولین رکورد این حراج را به دست آورد. با این حال ۱۴ اثر از هنرمندان صاحب‌نام ایرانی که از امریکا به این حراج آورده شده بودند ... صفحه آخر

تیترها

علی لاریجانی:

اختلاف قوا غیرقابل حل نیست

صفحه ۳

گزارش تحلیلی «شرق» از دور تازه فعالیت جبهه اصلاحات

اصلاح‌طلبان گردهم می‌آیند

صفحه ۲

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران خبر داد

نماینده دولتی در تمام تورها حضور خواهد داشت

صفحه ۱۷

در صفحات بخوانید

خنده‌ام گرفته؛ پس می‌نویسم
جواد مجابی
صفحه ۱۵

یوسا؛ انگاره‌ای از تجربه‌های گرانبها
محمد ضیمران
صفحه آخر

نوشتن و انتظار کشیدن
جمال میرصادقی
صفحه آخر

درنشست خبری محسنی اژه‌ای مطرح شد

حداکثر ۱۹ سال حبس برای محکومان حوادث انتخابات

گروه سیاسی: نشست خبری محسنی‌اژه‌ای سخنگوی قوه‌قضائیه همانند جلسه پیش پرسوال بود. از صدور حکم محکومیت ۶۴ بازداشتی حوادث پس از انتخابات طی یک ماه گذشته گرفته تا بازداشت دو تبعه خارجی که به گفته اژه‌ای قصد مصاحبه با فرزندان سکینه محمدی را داشتند، وضعیت دو حزب اصلاح‌طلب مشارکت و سازمان مجاهدین، وضعیت شکایت افرادی که در جریان مناظره‌های انتخاباتی سال گذشته مورد اتهام قرار گرفتند، اعلام رضایت اولیای دم پرونده کهریزک به دادگاه نظامی، رسیدگی به چهار پرونده توهین به احمدی‌نژاد، سرنوشت وقف دانشگاه آزاد و کمک به دولت از جمله موضوعاتی بودند که دیروز در نشست سخنگوی قوه‌قضائیه مطرح شد تا اژه‌ای بعضی از سوالات را مفصل‌تر و بعضی را به دلیل آنچه وی کلی خواند، کوتاه‌تر پاسخ گوید.

محکومیت شش ماه تا ۱۹سال و نیم حبس

به این ترتیب سخنگوی قوه‌قضائیه به بیان خبری که اعلام اسامی مطرح در آن را قانوناً ممنوع می‌دانست پرداخت و گفت: همین امروز که به این جلسه می‌آمدم به کتاب قانون مراجعه کردم تا اینکه ببینم آیا می‌توان در اعلام اسامی افرادی که حکم آنها در مرحله بدوی قطعی شده است به نتیجه‌ای برسم یا خیر، اما قانون اجازه نمی‌دهد ولی در همین حد اعلام می‌کنم در طول یک ماه گذشته شعب دادگاه انقلاب به پرونده تعدادی از متهمان جریان اغتشاشات سال گذشته و مسائل امنیتی رسیدگی کرده و حکم ۶۴ نفر در مرحله بدوی صادر شده است. سه نفر از این تعداد تبرئه شده و ۶۱ نفر که در جریان فتنه اخیر دستگیر شده بودند محکوم شدند. وی سپس در خصوص میزان محکومیت این افراد اظهار داشت: در میان احکام صادر شده برای این افراد از شش ماه حبس تا ۱۹سال و نیم حبس وجود دارد که البته برخی محرومیت‌های اجتماعی نیز در محکومیت‌های آنان وجود دارد. اما باید توجه کرد این احکام مربوط به مرحله بدوی است و هنوز به مرحله تجدیدنظر و قطعیت نهایی نرسیده است. وی با بیان اینکه یک نفر به ۱۹سال و نیم حبس و یک نفر دیگر به ۱۵ سال حبس محکوم شده‌اند و برخی به تحمل شلاق در کنار حبس نیز محکوم شده‌اند، گفت: چنانچه احکام به دادگاه تجدیدنظر رفته و قطعی شود دیگر مانعی به لحاظ اعلام مشخصات و اطلاعات دقیق این محکومان وجود نخواهد داشت اما اکنون برای اعلام اطلاعات مربوط به اسامی آنان محدودیت داریم. خبرنگاری با اشاره به اصل ۱۶۵ قانون اساسی، از سخنگوی قوه‌قضائیه سوال کرد چرا محاکمات به صورت علنی برگزار نمی‌شود.... ادامه در صفحه ۲

گزارش بانک مرکزی از دخل و خرج در سال ۱۳۸۸

خانواده‌های شهری، ماهی ۳۱۷ هزار تومان کسری بودجه داشتند

گروه اقتصادی: هر خانواده ایرانی درسال گذشته حدود ۳۱۷ هزار تومان در ماه، شکاف درآمد پولی با هزینه‌های جاری داشته که بخشی از این شکاف با درآمدهای غیرپولی پر شده است اما با این حال باز هم بین درآمد- هزینه این شکاف باقی مانده است. همچنین نرخ بی‌سوادی و درصد خانوارهای «بدون فرد شاغل» در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۸۷ افزایش داشته است. اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی در روز گذشته «خلاصه‌ای از نتایج بررسی بودجه خانوار مناطق شهری ایران در سال ۱۳۸۸» را منتشر کرد. بر اساس این گزارش متوسط هزینه ناخالص ماهانه یک خانوار در سال گذشته یک میلیون و ۵۹ هزار و ۵۰۰ تومان بود که نسبت به سال ۱۳۸۷ معادل ۱۰/۱ درصد افزایش داشته است اما افزایش درآمد ناخالص به یک میلیون و ۳۲ هزار و ۹۰۰ تومان رسید که نسبت به سال ۱۳۸۷، ۹/۵ درصد رشد داشته است. در گزارش بانک مرکزی ۷۱/۸ درصد از درآمد خانوار را درآمد پولی- یعنی درآمد حاصل از دستمزد و فعالیت‌های مستقیم اقتصادی و نیز فروش کالاهای دست دوم- تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر درآمد پولی خانوار در ماه ۷۴۱ هزار و ۶۰۰ تومان بوده است و مابقی آن که ۲۹۱ هزار تومان است از درآمد غیر پولی که ارزش اجاری مسکن شخصی است، حاصل می‌شود. اما گزارش بانک مرکزی چه می‌گوید؟ بر اساس این گزارش در سال گذشته متوسط تعداد افراد خانوار ۳/۷۶ نفر بود که نسبت به سال قبل که ۳/۸۶ نفر بود، کاهش داشته است.

هزینه ناخالص

همچنین بر اساس نتایج این بررسی متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار حدود ۱۲۷ میلیون و ۱۲۹ هزار ریال (ماهانه حدود ۱۰۵۹۵ هزار ریال) بوده است. این هزینه که شامل ارزش اجاری خانه شخصی نیز است نسبت به سال ۱۳۸۷ معادل ۱۰/۱ درصد افزایش داشته است. از کل هزینه‌های ناخالص خانوار به ترتیب ۳۱/۴ درصد به هزینه «مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها»، ۲۳/۷ درصد به هزینه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها»، ۱۱/۶ درصد به هزینه «حمل و نقل»، ۷/۹ درصد به هزینه «کالاها و خدمات متفرقه»، ۵/۳ درصد به هزینه «لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه»، ۵/۱ درصد به هزینه هر یک از گروه‌های «پوشاک و کفش» و «بهداشت و درمان»، ۲/۷ درصد به هزینه «تفریح و امور فرهنگی»، ۲/۳ درصد به هزینه «ارتباطات»، ۲/۲ درصد به هزینه هر یک از گروه‌های «تحصیل» و «رستوران و هتل» و ۰/۴ درصد به هزینه «دخانیات» اختصاص داشته است.

درآمد ناخالص

در خصوص درآمد خانواده‌های ایرانی این گزارش نشان می‌دهد متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار در سال ۱۳۸۸ حدود ۱۲۳ میلیون و ۹۴۹ هزار ریال (ماهانه حدود ۱۰۳۲۹ هزار ریال) بوده که نسبت به سال ۱۳۸۷ معادل ۹/۵ درصد افزایش داشته است. ۷۱/۸ درصد از کل درآمد ناخالص را درآمد پولی و ۲۸/۲ درصد را درآمد غیرپولی (شامل ارزش اجاری خانه شخصی) تشکیل داده است.

گروه‌های سنی

گروه‌های سنی یکی از شاخص‌های مورد بررسی خانواده‌های ایرانی است که بانک مرکزی به آن پرداخته است. در این زمینه گزارش فوق حاکی است در سال مورد بررسی، ۶/۳ درصد از افراد خانوارها «پنج سال و کمتر»، ۶/۷ درصد «۱۰-۶ سال»، ۷/۶ درصد «۱۵-۱۱ سال»، ۱۱ درصد «۲۰-۱۶ سال»، ۲۲/۵ درصد «۳۰-۲۱ سال»، ۲۷/۱ درصد «۵۰-۳۱ سال» و ۱۸/۸ درصد «۵۱ سال و بیشتر» سن داشته‌اند.

نکته

هر خانواده درسال گذشته حدود ۳۱۷ هزار تومان در ماه، شکاف درآمد پولی با هزینه‌های جاری داشته که بخشی از این شکاف با درآمدهای غیرپولی پر شده است با این حال باز هم بین درآمد- هزینه شکاف باقی مانده است. همچنین نرخ بی‌سوادی و درصد خانوارهای «بدون فرد شاغل» نسبت به سال ۱۳۸۷ افزایش داشته است.

تحصیلات

افزایش نرخ بی‌سوادی موضوعی است که بانک مرکزی به طور تلویحی به آن پرداخته است. بر اساس این گزارش توزیع افراد شش ساله و بیشتر خانوارها بر حسب میزان سواد در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که ۱۲/۴ درصد «بی‌سواد»، ۱/۶ درصد قادر به «خواندن و نوشتن»، ۲۱ درصد دارای «تحصیلات ابتدایی»، ۴۶/۷ درصد دارای «تحصیلات راهنمایی و متوسطه» و ۱۸/۳ درصد دارای «تحصیلات دانشگاهی» بوده‌اند. نسبت نرخ بی‌سوادی در سال ۱۳۸۷ معادل ۱۱/۶ درصد بوده است.

اشتغال

این گزارش درخصوص اشتغال حاکی است ۲۱/۹ درصد خانوارها در سال ۱۳۸۸ «بدون فرد شاغل»، بوده‌اند. این درصد در سال ۱۳۸۷ معادل ۱۸/۶ درصد بوده است. همچنین ۵۶/۵ درصد دارای «یک نفر شاغل» ۱۶/۹ درصد دارای «دو نفر شاغل» و ۴/۷ درصد دارای «سه نفر شاغل و بیشتر» بوده‌اند.

مسکن

گزارش بانک مرکزی در زمینه مسکن نشان می‌دهد که ۶۵/۵ درصد از خانوارها در مسکن شخصی (مالک‌نشین)، ۲۴/۹ درصد در مسکن اجاری، ۱/۱ درصد در مسکن در برابر خدمت و ۸/۵ درصد در مسکن رایگان سکونت داشته‌اند. در مقایسه با سال ۱۳۸۷ درصد سکونت در مسکن شخصی، در برابر خدمت و رایگان کاهش و درصد سکونت در مسکن اجرای افزایش داشته است. بر اساس نتایج بررسی مزبور، پنج درصد خانوارها از «یک اتاق»، ۳۱ درصد از «دو اتاق»، ۴۲/۹ درصد از «سه اتاق»، ۱۵/۷ درصد از «چهار اتاق»، ۳/۷ درصد از «پنج اتاق» و ۱/۷ درصد از «شش اتاق و بیشتر» استفاده می‌کرده‌اند. اما تسهیلات محل سکونت و لوازم زندگی مورد استفاده خانوارها در سال گذشته چگونه بوده است؟ بررسی تسهیلات محل سکونت خانوارها نشان می‌دهد در سال مورد بررسی، ۹۸/۵ درصد خانوارها از آب لوله‌کشی، ۹۹/۶ درصد از برق، ۹۰/۴ درصد از گاز شهری، ۳۳/۲ درصد از فاضلاب شهری، ۹۱/۱ درصد از تلفن، ۹۶/۶ درصد از آشپزخانه، ۹۸ درصد از حمام، ۷۰/۸ درصد از کولر ثابت، ۱۰/۴ درصد از سیستم حرارت مرکزی (شوفاژ) و ۴۱/۱ درصد از انباری بهره‌مند بوده‌اند. در سال ۱۳۸۸ از نظر لوازم زندگی، ۳۶/۶ درصد خانوارها از اتومبیل شخصی، ۱۹ درصد از موتورسیکلت، ۱۶/۸ درصد از دوچرخه، ۶۷/۷ درصد از چرخ خیاطی، ۶۰/۴ درصد از رادیوضبط و ضبط صوت، ۹۹/۱ درصد از تلویزیون، ۵۸/۸ درصد از ویدئو، ۴۱/۱ درصد از کامپیوتر، ۱۴/۸ درصد از دوربین فیلمبرداری، ۶۶ درصد از یخچال، ۶۹/۳ درصد از فریزر و یخچال فریزر، ۹۹ درصد از اجاق گاز، ۸۹/۱ درصد از جاروبرقی، ۷۸ درصد از ماشین لباسشویی و ۸۶/۷ درصد از تلفن همراه استفاده می‌کرده‌اند.

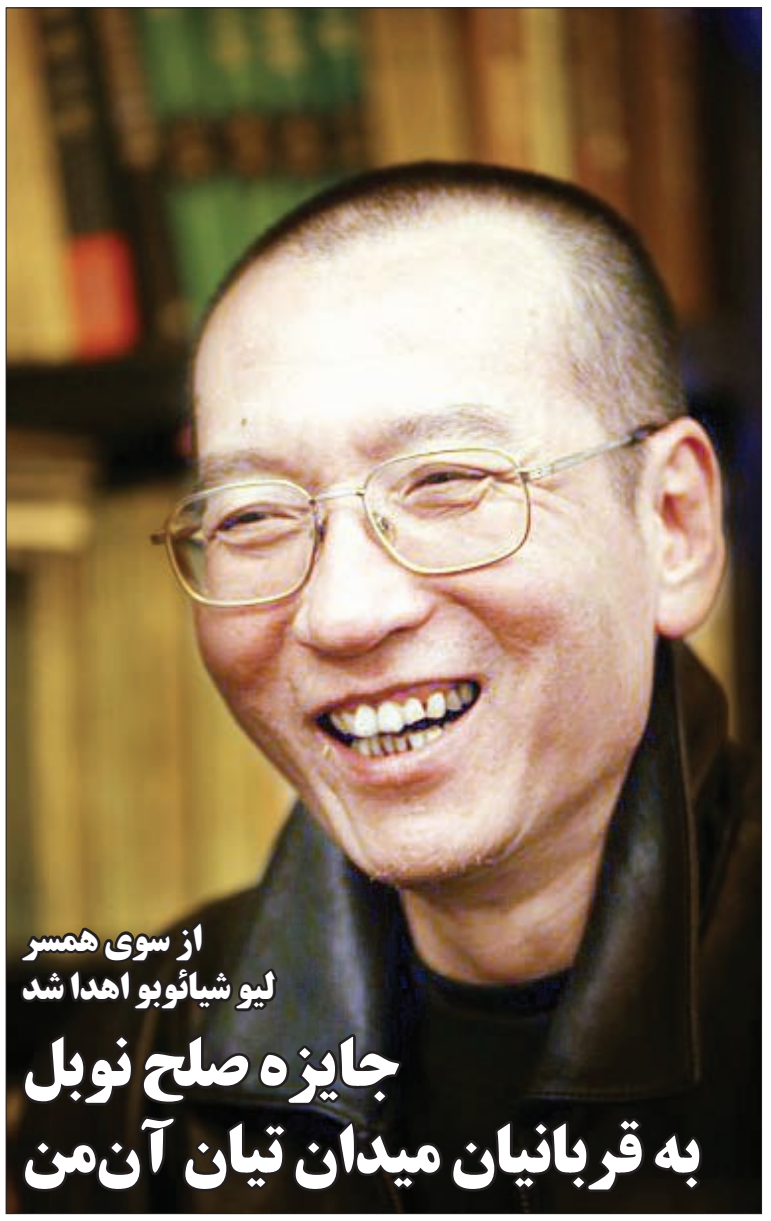

از سوی همسر لیو شیائوبو اهدا شد

جایزه صلح نوبل به قربانیان میدان تیان آن‌من

گروه بین‌الملل: همسر لیو شیائوبو ناراضی سیاسی زندانی در چین و برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۰ می‌گوید او این جایزه را به قربانیان سرکوب خونین قیام میدان «تیان آن‌من» در سال ۱۹۸۹ اهدا کرده است. به گزارش خبرگزاری‌ها زمانی که خانم لیو روز شنبه در همراهی پلیس به دیدار همسرش در زندان رفت تا خبر اعطای جایزه نوبل را به او بدهد، لیو در جریان این ملاقات گریسته و اعلام کرده است این جایزه را به قربانیان چهارم ژوئن سال ۱۹۸۹ میدان «تیان آن‌من» پکن اهدا می‌کند که «جان خود را در راه صلح، آزادی و دموکراسی» از دست داده‌اند. دانشجویان چینی در آوریل سال ۱۹۸۹ در اعتراض به ناپایداری اقتصادی چین و سرکوب‌های حزب کمونیست و فساد دولتی در میدان تیان آن‌من (صلح آسمانی) پکن تحصن کردند. دولت چین برای سرکوب این اعتراضات از نیروهای زرهی ارتش استفاده کرد. قیام تیان آن‌من که با حضور بیش از صدهزار نفر برگزار شد در نهایت در چهارم ژوئن با قتل سه هزار دانشجو سرکوب شد. لیو در زمان حمله نیروهای نظامی دولت چین به اعتراض‌کنندگان، موجب نجات جان بسیاری از دانشجویان معترض حاضر در این میدان شد و پس از آن نیز برای آزادی معترضان دستگیرشده تلاش بسیار کرد که این فعالیت‌ها موجب شد در سال ۱۹۹۱ به دو سال زندان محکوم شود. گفتنی است همسر برنده جایزه صلح نوبل از طریق توییتر خود ضمن اشاره به دیدار با همسرش در زندان، اعلام کرده است از زمان اعطای جایزه نوبل به همسرش، در حصر خانگی به سر می‌برد و همچنین قادر به برقراری تماس تلفنی نیست. گروه‌های حقوق بشر می‌گویند خانم لیو شیا پس از این ملاقات دیگر نتوانسته از منزلش در پکن خارج شود. به گفته خبرنگاران خانم لیو پس از بازگشت از ملاقات با شوهرش تنها توانسته دو جمله بگوید و پس از آن خط تلفن سیارش مسدود شده است. چین واکنش خشمگینی به تصمیم کمیته جایزه نوبل نشان داده و به نروژ، مقر این کمیته، اعتراض کرده است. پکن لیو را مجرم خوانده و دولت نروژ را تهدید به کاهش روابط کرده است. دولت چین سفیر نروژ را فراخوانده تا مراتب اعتراض خود را رسماً اعلام کند. پکن همچنین برنامه دیدار با یکی از وزیران نروژی را لغو کرده است. ادامه در صفحه ۶

نکته

خانم لیو روز شنبه در همراهی پلیس به دیدار همسرش در زندان رفت تا خبر اعطای جایزه نوبل را به او بدهد، لیو در جریان این ملاقات گریسته و اعلام کرده این جایزه را به قربانیان چهارم ژوئن سال ۱۹۸۹ میدان «تیان آن‌من» پکن اهدا می‌کند که «جان خود را در راه صلح، آزادی و دموکراسی» از دست داده‌اند.

سرمقاله

چهارراه استانبول یا نبض اقتصاد

عباس عبدی

در اوایل دهه ۷۰ (حدود ۱۷ سال پیش) نسبت به سیاست‌های ارزی اعتراضات متعددی وجود داشت. قیمت ارز در بازار آزاد یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که ذهنیت مسوولان سیاسی و اقتصادی و فعالان صنعت و تجارت را به خود جلب می‌کرد. دست‌اندرکاران سعی می‌کردند خود را از مخمصه چهارراه استانبول خلاص کنند. تا اینکه بالاخره ارز را با غرور تمام تک‌نرخی کردند و آن را «نقطه عطف» نامیدند، ولی از آنجا که بی‌مایه فطیر است، معلوم شد که تقاضا برای ارز بسیار بالاتر از ذخیره و خزانه ارزی دولت وقت بود، لذا برای خرید ارز صف‌های طویل کشیده شد و دلالان زنبیل‌های خود را در صف خرید ارز قرار دادند؛ صف‌هایی که شاید از صف‌های نفت در دوران اعتصاب کارکنان شرکت نفت در سال ۱۳۵۷، طولانی‌تر بود. البته اگر در سال ۵۷ مردم برای رفع نیاز خود به سوخت در صف نفت می‌ایستادند در این سال برای گرفتن ۵۰۰۰ دلاری در صف می‌ایستادند که هیچ نیاز شخصی به آن نداشتند، فقط طالب گرفتن مابه‌التفاوت قیمت دولتی و آزاد آن بودند، گویی که در صف ایستاده‌اند تا یک مبلغ بی‌هزینه و بی‌دردسر و مفت و مجانی به دست آورند، و چنین بود که دولت در آن زمان نتوانست این بازی را ادامه دهد و مجدداً ارز دونرخی شد و البته در این میان مبالغ عظیمی از ارز ارزان قیمت نصیب عده‌ای دلال شد. ظاهراً دوباره در پی تکرار وضع گذشته هستیم و نبض اقتصاد در چهارراه استانبول در حال تپیدن است، و صف‌های طویل در اطراف صرافی‌ها و بانک‌ها شکل می‌گیرد، و چرا نگیرد؟ بانک مرکزی هم می‌کوشد با تزریق دلارهای اسکناس این عطش را فرو نشاند، غافل از اینکه با این حجم محدود از عرضه دلار (به صورت اسکناس) نمی‌توان تقاضا را پاسخ داد. بازار بر این تصور است که توان مالی دولت برای تداوم حمایت مصنوعی چند سال اخیر از ارزش ریال و ثابت نگه داشتن آن به سر آمده است و عرضه حواله‌های ارزی هم خیلی مشکل شده و توان عرضه دلار نقد و اسکناس هم محدود است، بنابراین منطق اقتصادی حکم می‌کند که صاحبان ریال، به جای آن دلار را در اختیار داشته باشند. این انتظار، خود را در کاهش عرضه و فروش کالاهای وارداتی و ارزی نیز نشان داده است. وضعیت حاضر به صورت تشدیدکننده درآمده است، زیرا طی چند سال گذشته، تقاضا برای ورود ارز به داخل کشور زیاد بود، علت آن نیز روشن است. اگر کسی یک میلیون دلار در خارج از کشور داشت، آن را به داخل می‌آورد و به ریال تبدیل می‌کرد، اگر در هیچ فعالیت اقتصادی درگیر نمی‌شد و صرفاً آن را اوراق مشارکت می‌خرید، سالانه نزدیک به ۲۰ درصد سود بدون مالیات دریافت می‌کرد و اگر این یک میلیون دلار را طی فقط چهار سال به صورت اوراق مشارکت نگهداری می‌کرد، ریال او دو برابر می‌شد و اگر حداکثر افزایش قیمت دلار در این مدت را ۲۰ درصد بدانیم، سود خالص چنین فردی ۷۰ درصد می‌شود که قابل مقایسه با سود آن در خارج از کشور نیست و خیلی کمتر است. البته این وضع وقتی است که او پول خود را فقط در بانک بگذارد، اما اگر در فعالیت‌های دیگر صرف می‌کرد سود خالص آن چند برابر بیشتر از این رقم می‌شد. اما در شرایط کنونی که قیمت دلار به سرعت افزایش پیدا می‌کند و اقتصاد هم در وضع رکودی است، برای آنان مقرون به‌صرفه است که ریال خود را به دلار تبدیل و به خارج منتقل کنند تا از ارزش آن کاسته نشود، اما نکته اینجاست آن کسی که چند سال پیش یک میلیون دلار آورده بود، الان مبلغ ریالی او معادل چند میلیون دلار است و بانک مرکزی هرچه هم دلار تزریق کند، قادر به تامین و پاسخگویی نیست، بنابراین دیر یا زود چاره‌ای جز گران کردن دلار ندارد و چون همه این را می‌دانند در نتیجه همین مساله موجب تشدید این مساله می‌شود، ضمن آنکه گران کردن دلار در کوتاه‌مدت اختلال جدی در قیمت‌ها را فراهم می‌کند. اتفاقاً افراد پولدار متوجه بوده‌اند که تقاضای خود برای دلار را زمانی بالا ببرند که دولت تا مدتی مجبور به تامین آن باشد زیرا اکنون که زمان اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها رسیده است دولت از افزایش قیمت‌ها نگران است و خواهد کوشید با تامین نسبی ارز مورد نیاز بازار جلوی افزایش قیمت را بگیرد. آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که سیاست‌های جاری اقتصادی تا چه حد قادر به حل این مشکلات خواهد بود.

عجب اوضاعیه

بی‌نظیر بوتو الگوی مادرجون

احمد غلامی

مینای دکتر حبیب‌اللهی مریض شده بود. مادرجون و مادام پروتز رفته بودند ملاقاتش. وقتی من هم آمدم خانه زنم گفت: «تو هم یه سر برو بالا، خدارو خوش نمیاد.» گفتم: «برم ملاقات مینا!» گفت: «بالاخره این پرنده تنها مونس دکتر حبیب‌اللهی‌یه.» دیدم بخواهم گیر بدهم و نروم نمی‌گذارد پای ماهواره بنشینم و چرت بزنم. پا شدم رفتم بالا. مادرجون و مادام پروتز کنار هم نشسته بودند و مینا توی قفس کز کرده بود. دکتر حبیب‌اللهی گفت: «خوش اومدی.» مینا تا مرا دید بال‌بالی زد و گفت: «کچل!» مادام پروتز خندید و گفت: «وا، انگار حالش خوب شد.» نه‌تنها مینا حالش خوب شد، دکتر حبیب‌اللهی هم نطقاش باز شد و گفت: «آقا از اوضاع چه خبر؟» توی دلم گفتم بیچاره شدم، الان است که بحث سیاسی راه بیفتد و من مثل احمق‌ها باید حرف‌های آنها را گوش بدهم و تایید کنم یا دست بالا بگویم والله نمیدونم. دکتر حبیب‌اللهی گفت: «آقا این اختلاف نظر آقای یزدی و هاشمی داستانش چی شد؟» گفتم: «والله نمیدونم، بالاخره همه جا اختلاف نظر هست.» دکتر حبیب‌اللهی گفت: «آخه یه بار آقای یزدی گفت «اختلاف ما طلبگی است.» چی شد دوباره ورق برگشت.» گفتم: «والله نمی‌دونم، بالاخره سلایق سیاسی متفاوته.» مادرجون داد زد: «دکتر خودتون رو خسته نکنین، ایشون درباره نوشانه هم بی‌نظره.» مادام پروتز گفت: «بده مادرجون؟ آدم کم‌حرف خوبه دیگه.» مادرجون گفت: «پس تو چرا این کارو نمی‌کنی؟» مادام پروتز گفت: «وا، من دق می‌کنم اگه حرف نزنم.» دکتر حبیب‌اللهی گفت: «کی خاطرات آقای هاشمی رو تایید کرده که ایشون همه رو به خاطرات خودش ارجاع میده؟» گفتم: «والله تا حالا کسی نیومده تکذیب کنه که این‌طور نبوده.» مادرجون گفت: «آخه بعضی وقت‌ها خاطراتی که میگه فقط بین دو نفر بوده، شاهد سومی هم نبوده که تایید یا تکذیب کنه، بعضی‌ها رو هم که توی خواب می‌بینه.» گفتم: «والله آقای هاشمی از بزرگان نظامه، حرفشون سنده.» مادام پروتز گفت: «من آقای هاشمی رو خیلی دوست دارم به خصوص وقتی طرح ازدواج موقت رو داد، یادتونه آقای دکتر حبیب‌اللهی؟» دکتر حبیب‌اللهی سکوت کرد و رو کرد به مادرجون گفت: «مادرجون این دکتر روزبهانی و دکتر پیامی رو از دور و برتون دور کنین.» مادام پروتز گفت: «وا، دکتر پیامی خیلی خوش‌تیپه، بگو بخند هم هس. از شما که آبی گرم نمیشه.» مادرجون گفت: «بالاخره واسه اینکه سری تو سر سیاست دربیاریم باید تیم داشته باشیم. باند داشته باشیم. گروه دربیاریم. توی این مملکت بی‌کس و کار نمیشه کار کرد.» مادام پروتز آه کشید و گفت: «بی‌کسی خیلی بده.» و به دکتر حبیب‌اللهی نگاه کرد. مینا از این سوی قفس به آن سو پرید و جیغ کشید: «همه برن. همه برن.» دکتر حبیب‌اللهی گفت: «ساکت شو، بی‌ادب.» بعد به مادرجون گفت: «بله، هر کی که تو سیاست میاد بالاخره فک و فامیلش، رفیق‌رفقا هواشو دارن. یکی دامادشه، یکی پدرزنشه، یکی خواهرشه. ولی ما با این دوتا آسمون‌جل چه صنمی داریم؟» مادرجون گفت: «وقتی یخمون گرفت انشعاب می‌کنیم.» دکتر حبیب‌اللهی گفت: «مادرجون همه آدمای بزرگ رو همین دور و بری‌هاشون زمین زدن. مثال بیارم؟» گفتم: «نه آقای دکتر، خودمون می‌دونیم.» دکتر حبیب‌اللهی گفت: «بفرمایین اینم تایید دامادتون که سردبیره، یه آدم سیاسیه.» مینا بی‌هوا جیغ زد: «کچل.» مادام پروتز پقی زد زیر خنده و گفت: «به کی میگه؟» مادرجون گفت: «یه کچل بیشتر اینجا هس؟» ادامه در صفحه ۲